

شریعت و فیض



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: حزقیال باب ۲۸ آیات ۱۵، ۱۶؛ تثئیه باب ۴ آیه ۴۴؛ رومیان باب ۳ آیه ۲۰؛ تثئیه باب ۱۰ آیات ۱ تا ۱۵؛ تثئیه باب ۵ آیات ۶ تا ۲۲؛ تثئیه باب ۹ آیات ۱ تا ۶. لطفا اعداد را به فارسی تایپ کنید

آیه حفظی: «فیض خدا را باطل نمی شمارم، زیرا اگر پارسایی از راه شریعت به دست می آمد، پس مسیح بیهوده مرد» (غلاطیان باب ۲ آیه ۲۱، ترجمه فارسی هزاره نو).

بسیاری از فرقه های مسیحی در مورد شریعت و فیض سخن به میان می آورند و رابطه هر دو را می فهمند. شریعت، معیار خدا برای سنجش قدوسیت و پارسایی است، و تخطی از شریعت گناه است. «هرکس در گناه زندگی می کند برخلاف شریعت عمل می کند؛ گناه به واقع مخالفت با شریعت است» (اول یوحنا باب ۳ آیه ۴) و چون همگی ما از آن شریعت تخطی نمودیم- «اما کتاب اعلام داشت که همه در بند گناه اسیرند» (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۲)- تنها توسط فیض خداست که می توانیم نجات پیدا کنیم. «زیرا به فیض و از راه ایمان نجات یافته اید- و این از خودتان نیست، بلکه عطاى خداست» (افسسیان باب ۲ آیه ۸).

(البته «جزئیات کمی» در مورد سبت روز هفتم که بخشی از شریعت [یا همان احکام] می باشد وجود دارد. با وجود این، به خاطر برخی دلایل، بسیاری از مسیحیان مصمم هستند که سبت روز هفتم را، حداقل برای زمان حاضر، رد کنند و هر گونه بهانه سستی را مستمسک قرار داده تا دلیل انکار خویش را توجیه نمایند. اما این خود کلاً موضوع دیگری است)

با وجود این، موضوع شریعت و فیض را به یقین می توان در کل کتاب مقدس یافت حتی اگر به طریقی متفاوت و شیوه هایی مختلف بیان شوند که این شامل کتاب تثئیه نیز می شود. کتاب تثئیه هم دقیقاً رابطه بین شریعت و فیض را با متنی منحصر به فرد بازگو می کند.

*درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت روز سیزدهم نوامبر، آماده شوید.

احکام (یا شریعت) در آسمان

خدا خدای محبت است و محبت اصلی جامع است که شخصیت و بنیان پادشاهی او را فرا می گیرد. و چون خدا هم در عوض از ما می خواهد تا او را دوست داشته باشیم، ما را مخلوقاتی پایبند به اصول اخلاق با آزادی اخلاقی آفریده است؛ آزادی ای که محبت سرشت آن است. و بنیان ایده آزادی اخلاقی، احکام مرتبط با اخلاقیات است. ذرات بنیادی اتم، امواج اقیانوس، کانگورها، گرچه تا حدی از قانون طبیعی پیروی می کنند، به قانون اخلاق احتیاج ندارند یا از آن پیروی نمی کنند. تنها موجوداتی که سرشت اخلاقی دارند چنین می کنند و به خاطر همین است که خدا برای فرشتگان در آسمان احکام و قانون اخلاق تعیین کرده است.

حزقیال باب ۲۸ آیه ۱۵ و ۱۶ را بخوانید که در مورد سقوط لوسیفر [یا همان شیطان] از آسمان سخن می گوید. «شرارت» در او یافت شد، و همچنین «گناه ورزید». کاربرد این کلمات در اینجا، در مضمون و مفهوم آسمانی آن، چه چیزی را در مورد وجود قانون اخلاق در آسمان آشکار می کند؟

«شرارت» و «گناه ورزید» هر دو کلماتی هستند که در بین ما انسانها به کار می رود. اما کلام نیز همان عبارات را راجع به آنچه که در آسمان اتفاق افتاد؛ در رابطه با آفرینش بطور خاص به کار برده است. این مطلب در خصوص آنچه که در آسمان و همچنین روی زمین وجود دارد چیزی به ما می گوید.

«پس چه گوئیم؟ آیا شریعت گناه است؟ به هیچ روی! براستی اگر شریعت نبود، هرگز در نمی یافتیم گناه چیست. زیرا اگر شریعت نگفته بود "طمع مورز"، نمی توانستیم دریابم طمع ورزیدن چیست» (رومیان باب ۷ آیه ۷، ترجمه فارسی هزاره نو). چگونه ممکن است که همان ایده حد اقل در حد اصول در آسمان وجود داشته باشد، جایی که موجودات اخلاقی ذی وجود یعنی فرشتگان نیز وجود دارند؟

همانطور که الن جی وایت توضیح می دهد: «اراده خدا در احکام شریعت مقدس او بیان گردیده است و اصول این احکام مطابق با اصولی آسمانی می باشد. فرشتگان آسمانی به دانشی فراتر از شناخت اراده خدا نمی رسند و انجام اراده او والاترین خدمتی است که می توانند با توان خود در آن مشغول گردند». (اندیشه هایی برگرفته از کوه برکت، صفحه ۱۰۹).

آسمان یا زمین- اهمیتی ندارد: اگر خدا موجوداتی اخلاقی دارد، احکام اخلاقی نیز بر آنان حاکمیت آنان خواهد داشت؛ و نقض آن احکام، چه در آسمان چه بر زمین، گناه محسوب می شود.

چرا ایده احکام اخلاقی از ایده موجودات اخلاقی جدایی ناپذیر است؟ بدون آن احکام، چگونه می توان تعیین کرد که چه چیزی اخلاقی هست یا نه؟

دوشنبه

۱۷ آبان

شریعت در کتاب تثنیه

عبرانیان، قوم برگزیده خدا، در مرزسرزمین کنعان سرانجام در آستانه به ارث بردن سرزمینی بودند که خدا به آنان وعده داده بود. و همانطور که دیدیم، تثنیه آخرین دستورالعمل ها به عبرانیان پیش از تصرف سرزمین سرزمین موعود بود. و در میان آن دستورالعمل ها احکامی بودند که باید از آن ها فرمانبرداری می شد.

آیات ذیل را بخوانید. چه نکته ای به دفعات، دوباره و دوباره تکرار گردیده است، و چرا این نکته آنقدر برای مردم حائز اهمیت است؟ (تثنیه باب ۴ آیه ۴۴، تثنیه باب ۱۷ آیه ۱۹؛ تثنیه باب ۲۸ آیه ۵۸؛ تثنیه باب ۳۰ آیه ۱۰؛ تثنیه باب ۳۱ آیه ۱۲؛ تثنیه باب ۳۲ آیه ۴۶؛ تثنیه باب ۳۳ آیه ۲).

حتی مطالعه سطحی کتاب تثنیه نشان می دهد که پیروی از احکام چقدر برای قوم اسرائیل حائز اهمیت بود.

به معنای واقعی، اینها الزامات عهد بودند که نسبت به آن تعهد داشتند. خدا کارهای بسیاری در حق آنان کرده بود و همچنان کارهای زیادی برای آنان انجام می داد - کارهایی که از همان ابتدا نه از عهده خودشان بر می آمد و نه سزاوار آن بودند (و این همان فیض است، یعنی چیزی که خدا به ما می دهد درحالیکه لایقش نیستیم). و آنچه که او در عوض می خواست، اطاعت از احکامش بود. امروزه نیز هیچ تغییری رخ نداده است. این فیض خداست که جدای از اعمال شریعت، ما را نجات می دهد - «زیرا ما بر این اعتقادیم که انسان از راه ایمان و بدون انجام اعمال شریعت، پارسا شمرده می شود» (رومیان باب ۳ آیه ۲۸). - و واکنش ما نیز اطاعت از شریعت است. هرچند ما از شریعت اطاعت می کنیم، نه با تلاشهای بیهوده تا توسط آن نجات یابیم - «زیرا هیچ بشری با به جا آوردن اعمال شریعت، در نظر خدا پارسا شمرده نمی شود، بلکه شریعت گناه را به ما می شناساند» (رومیان باب ۳ آیه ۲۰) - بلکه در نتیجه نجاتی که از روی فیض به ما بخشیده شده است. «اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت» (یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۵).

کتاب تثنیه را می توان به عنوان درسی بزرگ، پندآموز و عملی در خصوص فیض و شریعت دید. توسط فیض است که خدا ما را رهایی می بخشد؛ و برای ما کاری را می کند که از عهده خودمان بر نمی آمد (همچون قوم اسرائیل که نمی توانستند با قدرت خودشان از مصر فرار کنند)، و در واکنش به آن کار عظیم رهایی، بایستی با ایمان به گونه ای زندگی کنیم که در تبعیت از او و احکام وی باشد. از بدو سقوط آدم به بعد، تا زمان کسانی که در زمان سختی و نشان وحش زندگی می کنند، افرادی

توصیف شده اند که «...احکام خدا و ایمان به عیسی را حفظ می کنند» (مکاشفه باب ۱۴ آیه ۱۲)-
رابطه خدا با قوم عهد وی، رابطه احکام و فیض است.

فیض خدا به خاطر اینکه از شریعتش تخطی نموده ایم ما را می بخشد و فیض خدا به ما این امکان را می دهد که از شریعتش نیز اطاعت کنیم؛ اطاعتی که از رابطه بین ما و عهدش نشأت می گیرد.
به فیض و لطف خداست که بخاطر نقض احکامش ما را می بخشد و فیض خدا ما را قادر میسازد تا از احکام او اطاعت کنیم، تبعیتی که از رابطه عهد ما با او ناشی می گردد.

چگونه می توانیم در حینی که از احکام اطاعت می کنیم از دام قانون مداری بگریزیم؟

۱۸ آبان

سه شنبه

برای خیریت خودتان

شک گرایان، کسانی که به دنبال عللی می گردند تا کتاب مقدس را مردود بشمارند، اغلب به کلام قدرتمند خدا اشاره می کنند که در عهد عتیق آمده است. ایده آنان این است که خدای عهد عتیق به خصوص در قیاس با عیسی، خدایی خشن، کینه توز و دارای روحیه ای پست می باشد. این مبحثی جدید نیست؛ اما به همان اندازه قرون گذشته که برای نخستین بار مطرح شد، نقص و ایراد دارد.
بارها و بارها عهد عتیق خداوند را خدایی معرفی می کند که قوم کهن خود یعنی قوم اسرائیل را دوست دارد و تنها بهترین را برای آنان می خواست و این محبت، با اقتدار در کتاب تثبیه ظاهر می شود.

تثبیه باب ۱۰ آیات ۱ تا ۱۵ را بخوانید. حواشی متن این آیات چیست، و در باره احساس خدا نسبت به قومش، حتی پس از اینکه گناه ورزیدند چه می آموزد؟ فی الواقع، این آیات در خصوص فیض چه می آموزند؟

فیض و محبت خدا نسبت به قوم اسرائیل از این متون ناشی می شود. به طور خاص به آیات ۱۲ و ۱۳ توجه کنید. این آیات طولانی هستند و این جمله یک سوال ساده است: خداوند می گوید: من از تو چه می خواهم، جز اینکه چنین کنی و در همه طریقهای من سلوک نمایی، و مرا دوست بداری و مرا خدمت کنی و احکام مرا برای خیریت خودت رعایت نمایی؟ در آیه بالا که از زبان عبری ترجمه گردیده، می توانیم ببینیم که افعال بطور مفرد بکار گرفته شده اند و نه بصورت جمع. اگرچه خدا یقیناً با کل قوم خود سخن می گوید، سخنان وی چه منفعتی خواهد داشت اگر هر یک از افراد قوم بطور جداگانه از آنها اطاعت نکنند؟ کل تنها به اندازه مجموع اجزاء خوب است. خداوند با قوم اسرائیل یک به یک به عنوان یک قوم صحبت می کرد.

ما نمی توانیم پایان آیه ۱۳ را فراموش کنیم که می گوید: اینها را که «برای خیریت خود» دوست نگاه داری. به عبارتی دیگر، خدا از قوم درخواست می کند تا اطاعت کنند چرا که به نفعشان خواهد

بود تا اینکار را انجام دهند. خدا آنان را آفریده، آنان را حفظ کرده، خدا می داند چه چیزی برای آنان بهتر است و خواهان بهترینها برای آنان است. اطاعت از احکام او، از ده فرمان او تنها به نفع آنان می تواند عمل کند.

شریعت اغلب اوقات به عنوان حصار، یعنی دیوار حفاظتی، تشبیه شده است و با ماندن در این حصار، پیروان او از حملات شریرکه می خواهد بر آنها غلبه و آنان را نابود سازد محافظت می شوند. بطور خلاصه، خداوند از روی عشق و محبت خویش به آنان احکام خویش را سپرد و اطاعت از احکام وی «برای خیریت خودتان» خواهد بود.

به چه شیوه هایی می توانیم ببینیم که پیروی از احکام خدا «برای منفعت خودمان» بوده است؟

۱۹ آبان

چهارشنبه

اسارت در مصر

در کتاب تثبیه، یکی مباحثی که به دفعات ظاهر می شود این است که خداوند قوم خویش اسرائیل را از مصر بازخرید می کند. بارها و بارها آنچه که خدا برای آنان انجام داده است به آنان یادآوری می شود: «و خداوند ما را به دست نیرومند و بازوی افراشته، و با اعمال بس مهیب و آیات و معجزات از مصر بیرون آورد» (تثبیه باب ۲۶ آیه ۸، به تثبیه باب ۱۶ آیات ۱ تا ۶).

در سراسر عهد عتیق به کتاب خروج در واقع به عنوان نمونه ای از رهایی بخشیدن قدرتمند خدا از بردگی و ظلم مصر از طریق فیض اشاره شده است: «زیرا شما را از سرزمین مصر به درآوردم و از خانه بندگی فدیہ دادم» (میکاه باب ۶ آیه ۴).

حتی در عهد جدید، این ایده به عنوان نمادی از رستگاری بواسطه ایمان در مسیح ظاهر می شود که با خروج از مصر توسط قدرت عظیم خدا همراه می باشد: «به ایمان بود که قوم از میان دریای سرخ همچون زمینی خشک گذشتند؛ اما چون مصریان کوشیدند همان کار را انجام دهند، غرق شدند» (عبرانیان باب ۱۱ آیه ۲۹، همچنین به اول قرنیتیان باب ۱۰ آیات ۱ تا ۴ مراجعه گردد).

تثبیه باب ۵ آیات ۶ تا ۲۲ را بخوانید که در آن موسی احکام؛ یعنی ده فرمان را تکرار می کند که بنیاد شرط عهد آنان با یهوه است. به چهارمین فرمان و علت اینکه در این جا بیان گردیده است توجه کنید. در آنجا چه چیزی گفته شده است که واقعیت شریعت و فیض را آشکار می کند؟

موسی اساس فرمان را تکرار می کند که در روز هفتم یعنی سبت استراحت کنید؛ اما آنرا با تاکید بیان می کند. به خاطر همین است که با وجود اینکه در خروج در لوح سنگی حک شده است، موسی آنچه که در آن لحظه به آنان داده شده بود تشریح می کند. سبت را نه تنها به عنوان نشانی از خلقت، بلکه به عنوان نشانی از رهایی از مصر نگاه دارید. فیض خدا آنان را از مصر نجات داد و به

آنان آسایش و فراغت از کار را ارزانی داشت (عبرانیان باب ۴ آیات ۱ تا ۵). حال، در پاسخ به فیضی که خدا به آنان داد، آنان نیاز داشتند تا آن فیض را به دیگران منتقل کنند. پس در این خصوص، سبت روز هفتم نه تنها نمادی قدرتمندی از خلقت گردید بلکه نمادی قدرتمند از رهایی و فیض نیز شد. هر کسی در خانه، نه تنها فقط فرزندان بلکه خادمان، چارپایان و حتی بیگانگان بین آنان نیز می توانند استراحت کنند. سبت، فیض را که از یهودیان به دیگران تعمیم می دهد؛ حتی برای مردمی که خارج از عهد میباشند. قلب احکام خدا در آن یافت می شود. آنچه را که خدا از روی سخاوتمندی برای آنان انجام داد، آنان باید برای دیگران نیز انجام دهند. و این کاری ساده است.

متی باب ۱۸ آیات ۲۱ تا ۳۵ را بخوانید. در چه طریقی اصول در این تمثیل در فرمان سبت آشکار گردیده است، خصوصا آنگونه که در تثنیه تاکید گردیده است؟

۲۰ آیان

پنجشنبه

نه برای پارسایی تان

عدالت و برائت بواسطه ایمان در واقع مبحث بزرگی است و در کانون مذهب مسیحیت و کل مذهب کتاب مقدسی وجود دارد. « زیرا کتاب چه می گوید؟ ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او عدالت شمرده شد » (رومیان باب ۴ آیه ۳).

الن جی وایت به طور روشن اینگونه تشریح کرده است: «عادل شدن بواسطه ایمان چیست؟ کاری است که خدا در آن جلال انسان را در خاکی قرار داده که از آن آفرید و کاری در انسان کرد که با قدرت خود نمی تواند انجام دهد. وقتی انسانها تهی بودنشان را می بینند، خود را آماده می کنند تا با ردای عدالت مسیح ملبس شوند» (الن جی وایت، ایمانی که بواسطه آن زندگی می کنم، صفحه ۱۰۹). سوالی فراتر این است که، وقتی شما به این موضوع توجه می کنید که خدا کیست و چقدر مقدس است، در مقابل با ما که چه کسی هستیم و چقدر نسبت به او نا مقدس هستیم- عمل فوق العاده فیض برای نجات ما خواهد بود. و این شد: آن عمل فیض که در صلیب، با مسیح به عنوان کسی که بی گناه بود، اتفاق افتاد و برای گناهان گناهکاران مرد.

این متن را در ذهن داشته باشید و تثنیه باب ۹ آیات ۱ تا ۶ را بخوانید. در اینجا موسی به مردم چه چیزی می گوید که به طریقی واقعیت فیض خدا را برای کسانی که لایقش نیستند آشکار می کند؟ چگونه عملی که اینجا اتفاق افتاده است اصل عادل شدن (تبرئه شدن) بواسطه ایمان را منعکس می کند؟

اگر کسی بتواند تعالیم پولس را در مورد انجیل خلاصه کند، شاید در متن تثنیه باب ۹ آیه ۵ یافت شود: «نه به سبب پارسایی و نه به سبب راستدلی شما است» که خدا می خواهد شما را نجات دهد.

شد. و خدا در عوض چه از ما می خواهد؟ " حال که همه چیز را شنیدیم، ختم کلام این است: «پس ختم تمام امر را بشنویم. از خدا بترس و اوامر او را نگاه دار چونکه تمامی تکلیف انسان این است» (جامعه ۱۲: ۱۳).

سوالاتی برای بحث:

۱. در سر کلاس به سوال پایانی درس روز دوشنبه مراجعه کنید که در مورد این است که چگونه مردمی که به ننگ داشتن شریعت خدا و ده فرمان او (به همراه حکم چهارم) باور دارند می توانند از دام زیرکانه قانون گرایی جلوگیری نمایند؟ چگونه اطاعت، حتی اطاعت سخت گیرانه و قاطع، از قانون گرایی متفاوت است و چگونه تفاوت این دو را می توانیم بفهمیم؟

۲. چه داستانهایی را در مورد آنانی که از ده فرمان تخطی کرده و در نتیجه تخطی از آن رنج کشیده اند شنیده اید (یا چه داستانهای دست اول را می دانید)؟ از اینکه چگونه شریعت انعکاس حقیقت، محبت خدا به ماست چه درسی به ما می آموزد؟

۳. چرا صلیب به ما نشان می دهد که تلاش مان برای به دست آوردن راه ملکوت بیهوده است؟